

رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری در

دانش‌آموزان: نقش میانجی‌گری هوش هیجانی

مصطفی صبری*^۱، محبوبه فولادچنگ^۲، مریم محمدی دهاقانی^۳، حمیدرضا گلزار^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی‌گری هوش هیجانی در رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری در دانش‌آموزان دبیرستانی بود. بدین منظور تعداد ۲۲۲ دانش‌آموز دختر و پسر مقطع متوسطه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت تحلیل داده‌ها از رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شد. براساس ماتریس همبستگی، بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و تاب‌آوری رابطه معناداری وجود دارد، بدین معنی که بین جهت‌گیری گفت و شنود و هوش هیجانی و تاب‌آوری رابطه مثبت و بین جهت‌گیری هم‌نوایی و هوش هیجانی و تاب‌آوری رابطه منفی وجود دارد. همبستگی بین هوش هیجانی و تاب‌آوری نیز مثبت و معنادار است. تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه هم‌زمان نیز نشان داد که از بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، جهت‌گیری گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار هوش هیجانی و تاب‌آوری است. همچنین، هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری است. در نهایت، تحلیل مسیر نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین جهت‌گیری گفت و شنود و تاب‌آوری دانش‌آموزان را تایید نمود.

واژه‌های کلیدی: ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی، تاب‌آوری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی علوم انسانی

۱- کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

۲- دانشیار روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

۳- کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

۴- کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله، mostafasabri1392@gmail.com

مقدمه

در چند دهه اخیر، دیدگاهی در روانشناسی رخ نموده است که مثبت بودن را وجه غالب ماهیت آدمی می‌داند. این دیدگاه که عمده توجه و تمرکز خود را بر ظرفیت‌ها و داشته‌های انسان معطوف کرده و متمرکز بر ظهور و بروز استعدادهای آدمی است، تحت عنوان روانشناسی مثبت‌گرا^۱ شهرت دارد. از بنیادی‌ترین سازه‌های مطرح شده در این دیدگاه، سازه تاب‌آوری^۲ است. در مورد تاب‌آوری تعاریف مختلفی ارائه شده است. زوترا، هال و مورای^۳ (۲۰۱۰: ۴) تاب‌آوری را به‌عنوان نتیجه انطباق موفقیت‌آمیز با شرایط نامطلوب تعریف می‌کنند. مشابه با آنان، گارمزی و ماستن^۴ (۱۹۹۱) تاب‌آوری را فرآیند سازگاری با شرایط تهدیدکننده می‌دانند. از نظر لوتار^۵ (۲۰۰۰)، به نقل از رزینیک^۵ (۲۰۱۰: ۲) تاب‌آوری، فرآیند پویای انطباق با شرایط نامطلوب است. به اعتقاد شانون^۶ (۲۰۰۸) تاب‌آوری، ظرفیت روبرو شدن، غلبه کردن و حتی قوی‌تر شدن به‌وسیله‌ی تجربه‌ی مشکلات یا آسیب‌ها است. تاب‌آوری، به پدیده غلبه کردن بر استرس‌ها و شرایط نامطلوب اشاره دارد (راتر^۷، ۱۹۹۹: ۱۱۹). والر^۸ والر^۸ (۲۰۰۱: ۲۹۲) نیز تاب‌آوری را سازگاری مثبت فرد در واکنش به شرایط ناگوار (آسیب‌ها و تهدیدات) می‌داند. البته تاب‌آوری، تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نمی‌باشد، بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامونی خود است. می‌توان گفت تاب‌آوری، در برگیرنده ویژگی‌هایی است که فرد را قادر می‌سازد تا در شرایط نامطلوب، پیشرفت کند (کانرو دیویدسون^۹، ۲۰۰۳: ۷۶). مطابق نظریه‌های تاب‌آوری دو گروه از عوامل نقش اساسی در تاب‌آوری ایفا می‌کنند. یکی عوامل خطرزا^{۱۰} که شامل مواردی از قبیل فقر، سوء استفاده در کودکی، نژاد پرستی و خشونت در جامعه می‌شود و دیگری عوامل محافظتی^{۱۱} که به حمایت خانوادگی قوی، ارتباط با جامعه، ویژگی‌های شخصیتی و مواردی از این قبیل اشاره دارد (مارش و ولف، ۲۰۰۲؛ به نقل از جوکار، کهولت و ذاکری، ۲۰۱۱: ۸۷).

-
- 1-Positive psychology
 - 2-Resilience
 - 3-Zautra, Hall & Murray
 - 4-Garmezny & Masten
 - 5-Resnick
 - 6- Shannon
 - 7-Rutter
 - 8-Waller
 - 9-Connor & Davidson
 - 10-Risk factors
 - 11-Protective factors

ذاکری، جوکار و رزمجویی (۲۰۱۰: ۱۰۶۷) عوامل موثر بر تاب‌آوری را به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می‌کنند که از جمله عوامل محافظتی بیرونی موثر بر تاب‌آوری، می‌توان از خانواده نام برد. در حال حاضر بیشتر تحقیقات در مورد خانواده در جهت این موضوع است که چه افرادی در برخورد با عوامل استرس‌زای زندگی توان مقابله و مقاومت داشته و خانواده چطور بر این توانایی تاثیر می‌گذارد (فیتزپاتریک و کوئرر، ۲۰۰۴؛ به نقل از کشتکاران، ۱۳۸۸: ۴۴). از جمله عوامل مرتبط با خانواده که به نقش تعاملات خانوادگی در تاب‌آوری اعضای خانواده اشاره دارد، الگوهای ارتباطی خانواده است. در زمینه الگوهای ارتباطی خانواده، فیتزپاتریک و ریچی^۱ (۱۹۹۴) دو جهت‌گیری شامل جهت‌گیری گفت و شنود^۲ و جهت‌گیری هم‌نوایی^۳ را معرفی کردند. جهت‌گیری گفت و شنود به فضایی اشاره دارد که اعضای خانواده به تعاملات خود انگیخته با یکدیگر و مشارکت آزاد در مباحث مرتبط با طیف وسیعی از موضوعات و نیز ابراز ایده‌های جدید در خانواده تشویق می‌شوند. منظور از جهت‌گیری هم‌نوایی میزان فشاری است که خانواده بر اعضا برای هم‌رایی و یکسان‌سازی گرایش‌ها، ارزش‌ها و باورها وارد می‌آورد (فیتزپاتریک^۴، ۲۰۰۴: ۱۷۳-۱۷۴). در زمینه ارتباط بین الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری، کشتکاران (۱۳۸۸) دریافت که جهت‌گیری گفت و شنود پیش‌بین مثبت و جهت‌گیری هم‌نوایی، پیش‌بین منفی و معنادار تاب‌آوری هستند. در همین راستا، فیتزپاتریک و کوئرر^۵ (۲۰۰۴) دریافتند که فرزندان خانواده‌های با گفت و شنود بالا، تاب‌آوری بیشتر و فرزندان خانواده‌های با هم‌نوایی بالا، تاب‌آوری کمتری دارند. همسو با این پژوهش‌ها، وارنر و اسمیت (۱۹۸۲)، به نقل از ذاکری و همکاران، (۲۰۱۰: ۱۰۶۸) دریافتند فرزندان والدینی که به نحو مثبتی پذیرای فرزندان بوده، مهربان هستند و فرزندان را حمایت و کنترل می‌کنند، در مقایسه با فرزندان که چنین تجاربی ندارند از سطوح تاب‌آوری بالاتری برخوردارند. صیدی سارویی، فرهنگ، امینی و حسینی (۱۳۹۲) نیز دریافتند که جهت‌گیری گفت و شنود با تاب‌آوری رابطه مثبتی داشته و پیش‌بین معنادار آن است. سرانجام، پژوهش جوکار و همکاران (۲۰۱۱)، نیز نشان داد که بین جهت‌گیری گفت و شنود و تاب‌آوری تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

از سوی دیگر، محققان مختلف برخی از عوامل فردی را از جمله عوامل محافظتی موثر بر تاب‌آوری می‌دانند (جوکار و همکاران، ۲۰۱۱: ۸۸) که در این میان می‌توان از هوش هیجانی نام برد. از هوش

- 1- Ritchie
- 2- Conversation orientation
- 3- Conformity orientation
- 4- Fitzpatrick
- 5- Fitzpatrick & Koerner

هیجانی نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است. بار-اون^۱ (۱۹۹۷: ۱۴) هوش هیجانی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، کیفیت‌ها و مهارت‌های غیر شناختی می‌داند که به افراد در کنار آمدن با مقتضیات محیطی و فشارها کمک می‌کنند. یکی از رایج‌ترین تعاریف این است که هوش هیجانی عبارت است از توانایی دریافت و بیان هیجانات، تسهیل تفکر به‌وسیله هیجانات، فهم هیجانات و استدلال از طریق آنها و تنظیم هیجانات در خود و دیگران (مایر، سالووی و کاروسو^۲، ۲۰۰۰: ۳۹۶). بویاتزیس^۳ (۲۰۰۹) هوش هیجانی را توانایی تشخیص، فهم و استفاده از اطلاعات هیجانی می‌داند که منجر به عملکرد موثر و برتر می‌شود. مایر، رابرتز و برسید^۴ (۲۰۰۸: ۵۱۱) نیز در جدیدترین تعریف خود هوش هیجانی را توانایی استدلال دقیق در مورد هیجانات استفاده از هیجانات و دانش هیجانی می‌دانند که تفکر را ارتقاء می‌دهد. سرانجام، در پذیرفته شده‌ترین مدل از هوش هیجانی، اعتقاد بر این است که هوش هیجانی در برگیرنده چهار مولفه ۱- ادراک و بیان هیجانات ۲- استفاده از هیجانات به منظور تسهیل در انجام وظایف ۳- فهم ارتباط بین هیجانات و موقعیت‌ها ۴- تنظیم و مدیریت هیجانات خود و دیگران است (مایر، سالووی، کاروسو و سیتارنویس، ۲۰۰۱، به نقل از رابرتز، مک‌کان، متیوس و زیدنر^۵، ۲۰۱۰: ۸۲۵-۸۲۶).

در زمینه ارتباط بین هوش هیجانی و تاب‌آوری، پژوهش جوکار (۱۳۸۶) حاکی از آن است که هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده قوی تاب‌آوری است. در همین راستا، آرمسترانگ، گالیگان و کریچلی^۶ (۲۰۱۱) دریافتند که ابعاد هوش هیجانی نقش اساسی در تاب‌آوری داشته و هوش هیجانی، پیش‌بین معنادار تاب‌آوری است. آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱: ۳۳۱) معتقدند که هوش هیجانی به صورت مستقیمی با تاب‌آوری رابطه دارد. مشابه با آنان، سالووی، بدل، دتویلر و مایر^۷ (۱۹۹۹)، اعتقاد بر این دارند که بین هوش هیجانی و قدرت مقابله با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز رابطه وجود دارد. علاوه بر این، تمامی مولفه‌های هوش هیجانی با مهارت‌های مقابله‌ای رابطه مثبت دارند (سالووی و همکاران، ۱۹۹۹: ۷۸). لذا چنین می‌توان انتظار داشت که بین هوش هیجانی و تاب‌آوری رابطه مثبتی وجود داشته باشد. از سوی دیگر، پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که هوش هیجانی تحت تاثیر الگوهای ارتباطی خانواده است (تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷؛ صبری، ۱۳۹۲؛ کیتن

1- Bar-on

2- Mayer, Salovey & Caruso

3- Boyatzis

4- Mayer, Roberts & Barsade

5- Roberts, MacCann, Matthews & Zeidner

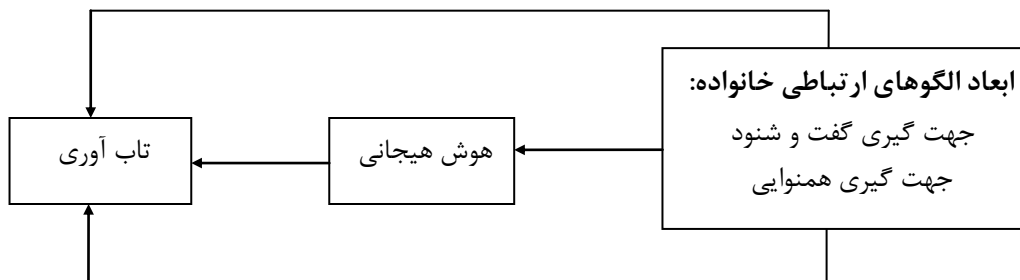
6- Armstrong, Galligan & Critchley

7- Salovey, Bedell, Detweiller & Mayer

و کلی^۱، (۲۰۰۸). در همین راستا، وانگ، درفو، وانگ و وونگ^۲ (۲۰۰۷) نشان دادند که بین هوش هیجانی فرزندان و میزان ارتباطات در خانواده ارتباط مثبتی وجود دارد. مرور پژوهش‌های انجام شده پیرامون متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و تاب‌آوری حاکی از آن است که بیشتر مطالعات انجام شده در مورد عوامل موثر بر تاب‌آوری، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع، مطالعات اندکی به بررسی نقش متغیرهای میانجی‌گر در این رابطه پرداخته‌اند. لذا با توجه به چنین خلأ تحقیقاتی در کشور و نیز عدم مشاهده پژوهشی که رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده را با تاب‌آوری مورد بررسی قرار داده و در این بین سهم متغیرهای واسطه‌ای را مشخص کرده باشد و نیز با عنایت به نقش مهم خانواده در پرورش و رشد هیجانی فرزندان و نیز نقش مهم تاب‌آوری در جامعه پر استرس کنونی، پژوهش حاضر به بررسی نقش میانجی‌گری هوش هیجانی در رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری پرداخته است. پژوهش حاضر بر مبنای پژوهش‌های پیشین و دیدگاه سیاروچی، چان، کاپوتی و روبرتز^۳ (۲۰۰۳) به به نقل از تجلی و لطیفیان، (۱۳۸۷: ۴۰۵) است. آنها با استناد به مبانی نظری و پیشینه‌های تحقیقاتی، با ارائه مدلی نظری، نقش واسطه‌ای هوش هیجانی را مورد تاکید قرار دادند. بدین ترتیب که هوش هیجانی در حد فاصل عوامل اجتماعی یا رویدادهای زندگی و میزان سازگاری و سلامت قرار می‌گیرد. بر طبق این مدل، بسیاری از اثرات بافت اجتماعی و خانوادگی به واسطه هوش هیجانی بر نحوه سازگاری و سلامت فرد ظاهر می‌شود. همانطور که قبلاً ذکر شد، یکی از معانی تاب‌آوری سازگاری می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد که می‌توان این مدل را در مورد تاب‌آوری، مورد آزمون قرار داد. بنابر این هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی‌گری هوش هیجانی در رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری در دانش‌آموزان دبیرستانی می‌باشد. در مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش حاضر که در شکل ۱ نشان داده شده، ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده به عنوان متغیر برون زاد، هوش هیجانی به عنوان متغیر واسطه و تاب‌آوری به عنوان متغیر درون زاد در نظر گرفته شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
- 1- Keaten & Kelly
 - 2- Wang, Derfoo, Wang & Wong
 - 3- Ciarrochi, Chan, Caputi & Roberts



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش حاضر

با توجه به مدل پیشنهاد شده فرضیه پژوهش حاضر عبارتست از:

۱- ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همنوایی)، هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و از طریق هوش هیجانی، تاب آوری را پیش بینی می کنند.

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش:

پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر و پسر متوسطه شهر داراب ورودی سال تحصیلی ۹۲-۹۱ تشکیل می دهند. برای انتخاب نمونه مورد نظر از بین مدارس شهر داراب، دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه (در مجموع، ۴ مدرسه) با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند و از هر مدرسه دو کلاس (در مجموع ۸ کلاس)، به طور تصادفی انتخاب شده و در گروه شرکت کننده قرار گرفتند. در نهایت در این پژوهش ۲۲۲ دانش آموز (۱۳۰ دختر و ۹۲ پسر)، با میانگین سنی ۱۶/۴۲ مورد ارزیابی قرار گرفتند.

ابزار سنجش:

ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده! این ابزار یک مقیاس خودسنجی بوده که توسط کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) ساخته شده است و درجه موافقت یا مخالفت پاسخ دهنده درباره ۲۶ گویه در زمینه ارتباطات خانوادگی را به شیوه لیکرتی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می سنجد. ۱۵ گویه اول مربوط به جهت گیری گفت و شنود و ۱۱ گویه بعدی مربوط به جهت گیری همنوایی می باشد. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) پایایی (ضریب آلفای کرونباخ) مقیاس را برای بعد گفت و شنود ۰/۸۹ (دامنه ۰/۹۲ تا ۰/۸۲) و برای بعد همنوایی ۰/۷۹ (دامنه ۰/۸۴ تا ۰/۷۳) گزارش کردند. در ایران کوروش نیا (۱۳۸۵) ضریب آلفای کرونباخ را برای بعد گفت و شنود معادل ۰/۸۷ و

برای بعد هم‌نواپی معادل $0/81$ به دست آورد. جوکار و رحیمی (۱۳۸۶)، صبری، البرزی و بهرامی (۱۳۹۲) و صبری (۱۳۹۲)، با استفاده از روش تحلیل عامل وجود دو عامل گفت و شنود و هم‌نواپی را در این ابزار تایید کرده‌اند. در پژوهش حاضر جهت تعیین پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و برای ابعاد گفت و شنود و هم‌نواپی به ترتیب ضریب ضرایب $0/88$ و $0/83$ بدست آمد. جهت تعیین روایی از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید. نتایج نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود با ضریب همبستگی $0/71$ و جهت‌گیری هم‌نواپی با ضریب $0/50$ رابطه معنی‌داری با نمره کل مقیاس دارد.

پرسشنامه هوش هیجانی شاته و همکاران^۱ (۱۹۹۸): این پرسشنامه توسط شاته در سال ۱۹۹۸ ساخته شده و دارای ۳۳ سوال می‌باشد. برای نمره‌گذاری از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۵) استفاده می‌شود. خسرو جاوید (۱۳۸۱) پایایی کل این مقیاس را بر مبنای آلفای درونی $0/81$ گزارش داد. وی با استفاده از تحلیل عامل روش تحلیل مولفه‌های اصلی سه عامل تنظیم هیجان با آلفای $0/81$ ، ارزیابی و ابراز هیجان با آلفای $0/67$ و بهره‌برداری از هیجان با آلفای $0/50$ به دست آورد. افزون بر این، هوش هیجانی کل با سه زیر مقیاس آن دارای ضریب همبستگی برابر با $0/80$ ، $0/74$ و $0/69$ بود که همگی در سطح $0/01$ معنادار بودند. همچنین نتایج پژوهش وی بیانگر همبستگی معنادار و منفی هوش هیجانی با متغیرهای ملاک نظیر افسردگی و حالت اضطراب بود که این امر نشان‌دهنده اعتبار ملاکی این پرسشنامه است. در پژوهش حاضر جهت تعیین پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب $0/91$ برای کل پرسشنامه به دست آمد. جهت تعیین روایی نیز از همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل مقیاس استفاده گردید. نتایج حاکی از آن بود که بین خرده مقیاس‌های تنظیم عواطف، بهره‌وری از هیجانات، ابراز هیجان با نمره کل مقیاس به ترتیب ضریب همبستگی برابر با $0/90$ ، $0/75$ و $0/84$ وجود دارد.

پرسشنامه تاب‌آوری (کانر و دیویدسون)^۲: این مقیاس که توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) ساخته شده، شامل ۲۵ گویه بوده و به صورت ۵ گزینه‌ای از ۱ (کاملاً نادرست) تا ۵ (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. سامانی، جوکار و صحراگرد (۱۳۸۶)، عبادت پور، نوایی نژاد، شفیع آبادی و فلسفی نژاد (۱۳۹۲) و گلزار، البرزی، خوشبخت و صبری (زیرچاپ) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را به ترتیب برابر با $0/87$ ، $0/90$ و $0/92$ به دست آوردند. مدانلو (۱۳۸۸) برای بررسی ضریب روایی ملاکی مقیاس از مقیاس عواطف مثبت و منفی و مقیاس شادی و افسردگی استفاده

1 -Shutteh
2 - CD-RISC

نمود. نتایج نشان داد که رابطه معنی‌داری بین مقیاس تاب‌آوری با مقیاس‌های عواطف مثبت ($r=0/66$)، عواطف منفی ($r=-0/41$)، شادی ($r=0/46$) و افسردگی ($r=-0/45$) وجود دارد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ معادل $0/82$ به‌دست آمد. همبستگی گویه‌ها با نمره کل مقیاس نیز در دامنه $0/30$ تا $0/57$ قرار داشت که همگی در سطح $0/001$ معنادار بودند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر گزارش شده است. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و تاب‌آوری نشان داده شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و تاب‌آوری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
۱- جهت‌گیری گفت و شنود	۵۰/۱۱	۱۰/۶۳
۲- جهت‌گیری همنوایی	۳۱/۰۳	۸/۴۹
۳- هوش هیجانی	۱۱۳/۷۳	۱۹/۳۷
۴- تاب‌آوری	۸۹/۴۸	۱۱/۲۲

جدول ۲: ضرایب همبستگی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و تاب‌آوری

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱- جهت‌گیری گفت و شنود	۱			
۲- جهت‌گیری همنوایی	$-0/28^*$	۱		
۳- هوش هیجانی	$0/53^*$	$-0/20^*$	۱	
۴- تاب‌آوری	$0/50^*$	$-0/23^*$	$0/57^*$	۱

* $P < 0/01$

جدول ۱ نشان می‌دهد که بین متغیرهای مدل همبستگی معناداری وجود دارد. بدین معنی که جهت‌گیری گفت و شنود با هوش هیجانی ($r=0/53$) و تاب‌آوری ($r=0/50$) رابطه مثبت معناداری دارد. همچنین جهت‌گیری همنوایی با هوش هیجانی ($r=-0/20$) و تاب‌آوری ($r=-0/23$) رابطه منفی معنادار دارد. از سوی دیگر، بین هوش هیجانی و تاب‌آوری همبستگی مثبت و معنادار ($r=0/57$) وجود دارد.

به منظور بررسی سوال‌های پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. عمده‌ترین هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی بود که بدین منظور از

مراحل پیشنهادی بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶) استفاده شد. در نتیجه در مرحله اول رگرسیون تاب‌آوری روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (جدول ۳)، در مرحله دوم، رگرسیون هوش هیجانی روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (جدول ۴) و در مرحله سوم رگرسیون تاب‌آوری روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و هوش هیجانی (جدول ۵) اجرا شد و نتیجه هر مرحله به صورت نمودار تحلیل مسیر ترسیم گردید (شکل ۳).

جدول ۳: رگرسیون تاب‌آوری روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (مرحله اول از مراحل بارون و کنی)

متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک	R	R ²	F	P<	β	t	P<
گفت و شنود	تاب‌آوری	۰/۵۱	۰/۲۶	۳۵/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۳۸	۷/۴۹	۰/۰۰۱
همنوایی						-۰/۰۱	۱/۴۷	N.S

در جدول ۳ ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/51$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/26$ به دست آمد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۲۶ درصد از واریانس تاب‌آوری از طریق ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری است ($=0/38$), اما جهت‌گیری همنوایی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای تاب‌آوری نمی‌باشد.

جدول ۴: رگرسیون هوش هیجانی روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (مرحله دوم)

متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک	R	R ²	F	P<	β	t	P<
گفت و شنود	هوش هیجانی	۰/۵۳	۰/۲۸	۳۹/۴۷	۰/۰۰۱	۰/۳۱	۸/۲۲	۰/۰۰۱
همنوایی						-۰/۰۶	۰/۹۱۹	N.S

در جدول ۴ ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/53$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/28$ به دست آمد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از واریانس هوش هیجانی از طریق ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار هوش هیجانی است ($=0/31$), اما جهت‌گیری همنوایی پیش‌بینی‌کننده معنادار هوش هیجانی نیست.

1-Baron & Kenny

جدول ۵: رگرسیون تاب آوری روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و هوش هیجانی (مرحله سوم)

متغیر های پیش بین	متغیر ملاک	R	R^2	F	$P <$	β	t	$P <$
گفت و شنود	تاب آوری	۰/۶۲	۰/۳۸	۴۲/۰۸	۰/۰۰۱	۰/۲۶	۳/۹۲	۰/۰۰۱
همنوایی						-۰/۰۸	۱/۲۹	<i>N.S</i>
هوش هیجانی						۰/۴۱	۶/۳۸	۰/۰۰۱

در جدول ۵ ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0.62$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0.38$ به دست آمد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از واریانس تاب‌آوری از طریق ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و هوش هیجانی قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود ($=0.26$) و هوش هیجانی ($=0.41$) پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری هستند، اما جهت‌گیری همنوایی پیش‌بینی‌کننده معنادار آن نیست.



نمودار ۲: مدل نهایی پژوهش حاضر

همانطور که شکل ۲ نشان می‌دهد، از میان دو بعد الگوهای ارتباطی خانواده، جهت‌گیری گفت و شنود هم به صورت مستقیم ($=0.26$) و هم به صورت غیر مستقیم (از طریق اثرگذاری بر هوش هیجانی) پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری در دانش‌آموزان است. با توجه به کاهش یافتن معنادار ضرایب بتای مسیر جهت‌گیری گفت و شنود از مرحله اول (0.38) به مرحله سوم (0.26) می‌توان هوش هیجانی را به عنوان متغیر واسطه‌ای سهمی در رابطه بین جهت‌گیری گفت و شنود و تاب‌آوری در نظر گرفت.

– اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پیش‌بین و واسطه

جدول ۶، نشانگر اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پیش‌بین و واسطه بر متغیر وابسته می‌باشد. همانگونه که مشاهده می‌شود، (۱) ضریب مسیر استاندارد بین جهت‌گیری گفت و شنود و تاب‌آوری برابر با ۰/۲۶ است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد، بنابراین جهت‌گیری گفت و شنود در افزایش تاب‌آوری فرزندان موثر بوده است، (۲) ضریب مسیر استاندارد بین جهت‌گیری

همنوايي و تاب‌آوري برابر با ۰/۰۸- است که معنادار نمی‌باشد، بنابراین جهت‌گیری همنوايي به‌طور مستقيم در کاهش در کاهش تاب‌آوري فرزندان موثر نبوده است، ۳) ضريب مسير بين هوش هيچانی و تاب‌آوري برابر با ۰/۴۱ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد، بنابراین هوش هيچانی در افزايش تاب‌آوري موثر بوده است و با توجه به مقادير بتا، متغير هوش هيچانی بيشترين تاثير را بر تاب‌آوري داشته است. همچنين بررسی اثرات غير مستقيم متغيرهای مستقل بر تاب‌آوري نشان می‌دهد که متغير جهت‌گیری گفت و شنود، اثر غير مستقيم مثبت و معنادار و متغير جهت‌گیری همنوايي اثر غير مستقيم منفي ولی غير معنادار بر تاب‌آوري داشته است. بررسی اثرات کل حاکی از اين است که متغير هوش هيچانی بيشترين تاثير بر تغييرات تاب‌آوري دارد و متغيرهای جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوايي در رده بعدی تاثيرگذاري قرار دارند.

جدول شماره ۶: اثرات مستقيم و غير مستقيم متغيرهای پيش بين و واسطه

اثر کل	اثر غيرمستقيم	اثر مستقيم		
۰/۳۹**	۰/۱۳*	۰/۲۶**	جهت‌گیری گفت و شنود	پيش بين
-۰/۱۰	-۰/۰۲	-۰/۰۸	جهت‌گیری همنوايي	
۰/۴۱**	---	۰/۴۱**	هوش هيچانی	واسطه

بحث و نتیجه‌گیری:

نتايج حاصل از پژوهش حاضر در سه قسمت تبیین می‌شود. ابتدا رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با هوش هيچانی، سپس تاثير مستقيم و غير مستقيم ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر تاب‌آوري و در نهايت رابطه هوش هيچانی و تاب‌آوري مورد بحث قرار می‌گیرد. اين پژوهش نشان داد که از میان ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده تنها جهت‌گیری گفت و شنود پيش بينی‌کننده مثبت و معنادار هوش هيچانی است. به این معنا که هرچه اعضای خانواده‌ها گفت و شنود بيشتری داشته باشند، فرزندان‌شان از هوش هيچانی بيشتری برخوردار خواهند بود. علاوه بر این، هوش هيچانی در رابطه بين جهت‌گیری گفت و شنود و تاب‌آوري، نقش واسطه‌ای ناقص را ایفا می‌نماید. نتیجه به‌دست آمده با تحقیقات تجلی و لطيفيان (۱۳۸۷)، صبری (۱۳۹۲) و کیتن و کلی (۲۰۰۸) همسو است. در خانواده‌هایی که در جهت‌گیری گفت و شنود نمرات بيشتری می‌گیرند، ارتباطات خودانگيخته و آزادانه بيشتری بين والدین و فرزندان وجود دارد، والدین بيشتر در مورد احساسات و افکار فرزندان‌شان گفتگو می‌کنند، ابراز هيچانات را تشويق می‌کنند، پذيرای عواطف فرزندان خود بوده و آنها را تشويق می‌کنند تا افکار و احساسات خود را بیان کنند. در نتیجه فرزندان اين خانواده‌ها می‌آموزند که هيچانات خود را چه مثبت و چه منفي ابراز کنند و قادر به درک هيچانات طرف مقابل نیز باشند (تجلی و لطيفيان، ۱۳۸۷: ۴۱۷). والدین در این

خانواده‌ها نیازی به کنترل فرزندان خود و تصمیم‌گیری در مورد آنها احساس نمی‌کنند (بریث ویت و باکستر^۱، ۲۰۰۶: ۵۷-۵۸) و فرزندان تشویق می‌شوند تا در مورد رفتارها و احساساتشان تامل کنند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴: ۱۷۳-۱۷۴)، در نتیجه در چنین خانواده‌هایی فرزندان می‌آموزند که هیجانات خود را مدیریت و کنترل کنند. همچنین، فرزندان در تعامل با والدین یاد می‌گیرند که کدام موقعیت‌ها، کدام هیجانات را فرا می‌خوانند و چگونه باید به هیجانات ابراز شده توسط دیگران واکنش نشان داد (تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷: ۴۱۷). بنابراین مجموع این تعاملات، ویژگی‌هایی را در کودک ایجاد می‌کنند که شامل توانایی در درک هیجانات خود و دیگران و فهم این هیجانات، تشخیص علل و عواقب هیجانات و توانایی تنظیم و کنترل هیجانات خود و دیگران می‌باشد. از آنجا که این عوامل از سطوح اصلی هوش هیجانی محسوب می‌شوند (سالووی، مایر و کاروسو^۲، ۲۰۰۲)، مجموع این مهارت‌ها به افزایش هوش هیجانی فرزندان منجر می‌شود.

بخش دیگری از نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و با واسطه‌گری هوش هیجانی بر تاب‌آوری دانش‌آموزان اثر دارد. در رابطه با تاثیر مستقیم جهت‌گیری گفت و شنود بر تاب‌آوری نتیجه کسب شده با پژوهش‌های کشتکاران (۱۳۸۸) و فیتزپاتریک و کوثرنر (۲۰۰۴) همسو است. بسیاری از مقالات علمی در مورد تاب‌آوری، بر فرآیندهای ارتباطی درون خانواده به‌عنوان مبنای اولیه تاب‌آوری تمرکز و توجه نموده‌اند (پترسون، ۲۰۰۲: ۳۵۶). در همین راستا، جوکار و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که بین جهت‌گیری گفت و شنود و تاب‌آوری تحصیلی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مشابه با آنان وارنر و اسمیت (۱۹۸۲)، به نقل از ذاکری و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۰۶۸) دریافتند فرزندان والدینی که به نحو مثبتی پذیرای فرزندان بوده، مهربان هستند و فرزندان را حمایت و کنترل می‌کنند، در مقایسه با فرزندان که چنین تجاربی ندارند، از سطوح تاب‌آوری بالاتری برخوردارند. ذاکری و همکاران (۲۰۱۰: ۱۰۶۷) نیز سبک ارتباطی والد-فرزند را یکی از اصلی‌ترین و موثرترین عواملی شکل‌دهنده تاب‌آوری می‌دانند. طباطبایی و همکاران (۱۳۸۶) اعتقاد دارند که ایجاد روابط مثبت، سبک‌های تعامل پر حرارت، روابط حمایت‌گرانه و مهرورزانه با دیگران، از جمله عوامل محافظتی تاب‌آوری هستند. در واقع، شایستگی و عملکرد کودکان و نوجوانان ارتباط نزدیکی با کیفیت محیط‌های اجتماعی شان دارد. خانواده‌هایی که کارآیی بهتری دارند، احتمال بیشتری دارد که فرزندان شایسته و تاب‌آور داشته باشند. مشابه با آنان، هیل، استافورد، سیمن، روس و بریجید^۳ (۲۰۰۷: ۱۱) معتقدند عواملی همچون وقت‌گذراندن با فرزندان، اوقات فراغت

1- Braithwaite & Baxter

2- Salovey, Mayer & Caruso

3- Hill, Stafford, Seaman, Ross & Brigid

ساختارها و قوانین خانواده، توازن بین والدین از جمله عوامل تقویت‌کننده تاب‌آوری هستند. زمانی که افراد دارای خانواده‌ای حمایتگر باشند، به نحو بهتری نسبت به استرس واکنش نشان می‌دهند (هیل و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲) و زمانی که والدین استقلال را در فرزندانشان تشویق می‌کنند، فرزندان تاب‌آوری بیشتری نشان می‌دهند (هیل و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲). علاوه بر این، والدینی که در شرایط استرس‌زای زندگی رابطه‌ای نزدیک و مثبت با فرزندانشان ایجاد می‌کنند، تاب‌آوری را در فرزندانشان افزایش می‌دهند (ذاکری و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۰۶۹). از آنجا که موارد ذکر شده از ویژگی‌های خانواده‌های با گفت و شنود بالا است، چنین می‌توان انتظار داشت که فرزندان چنین خانواده‌هایی از تاب‌آوری بالاتری برخوردار باشند. از سوی دیگر، پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که الگوهای ارتباطی خانواده با عواملی همچون شایستگی اجتماعی (فیتزپاتریک و کوئر، ۲۰۰۴) و حمایت‌های اجتماعی که فرد دریافت می‌دارد (هاوارد و مدری، ۲۰۰۴) ارتباط دارد. از آنجا که این عوامل از عوامل مطرح شده برای تاب‌آوری هستند (کشتکاران، ۱۳۸۸: ۴۷) و نیز از این جهت که گفت و شنود، پیش‌بینی‌کننده مثبت و هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده منفی این عوامل است (فیتزپاتریک و کوئر، ۲۰۰۴، به نقل از کشتکاران، ۱۳۸۸: ۴۷)، انتظار می‌رود که گفت و شنود با تاب‌آوری رابطه مثبت و هم‌نوایی رابطه منفی داشته باشد. بنارد (۱۹۹۱) تشویق کودکان به مشارکت کردن را یکی از عوامل مهم افزایش تاب‌آوری در آنها دانسته است (به نقل از جوادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴۱). در خانواده‌ای که گفت و شنود بالایی وجود دارد، اعضاء از مشارکت خوبی برخوردارند و قادرند به عنوان یک عضو خانواده در امور مشارکت نمایند. مشارکت باعث می‌شود که اعتماد به نفس و عزت نفس افزایش یابد و در نتیجه باعث رشد تاب‌آوری فرزندان شود (به نقل از جوادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴۱). در همین راستا، کشتکاران (۱۳۸۸: ۵۱) معتقد است که افراد متعلق به خانواده‌های دارای جهت‌گیری گفت و شنود، در زمینه اجتماعی شایسته‌تر بوده و در مهارت‌های حل مساله و مدیریت بحران رشد یافته‌تر هستند. آنها تعارضات کمتری با دیگران داشته و در برابر مشکلات و عوامل خطرزا تاب‌آور هستند. ارتباطات باز در خانواده‌های با جهت‌گیری گفت و شنود از عوامل فراهم‌کننده تاب‌آوری است.

در مورد تاثیر غیر مستقیم ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده در تاب‌آوری یافته‌های این پژوهش نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود از طریق افزایش هوش هیجانی سبب افزایش تاب‌آوری فرزندان می‌شود. این یافته بدان معنی است که خانواده‌هایی که مشارکت در گفتگو و بحث پیرامون موضوعات را ترغیب می‌کنند، توانایی ادراک و ارزیابی عواطف را افزایش می‌دهند و این امر نیز به بهبود تاب‌آوری می‌انجامد. یکی از مولفه‌های هوش هیجانی، توانایی ادراک، ارزیابی و ابراز عواطف

است (مایر و سالوی^۱، ۱۹۹۷). افزایش سطح ادراک عاطفی سبب افزایش قدرت ارزیابی محرک‌های محیطی، بالا رفتن قدرت برقراری روابط عاطفی و ابراز همدلی می‌شود و از این طریق امکان تعامل سازنده فرد با محیط را فراهم می‌آورد (مایر، ۲۰۰۱؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۴). می‌توان گفت این مولفه از طریق افزایش قدرت ادراک محیط، تاب‌آوری را افزایش می‌دهد. واسطه‌گری هوش هیجانی می‌تواند بدین معنا باشد که گفت و شنود در خانواده تسهیل عاطفی تفکر را سبب می‌شود که یکی از مولفه‌های دیگر هوش هیجانی است (مایر و سالوی، ۱۹۹۷). در مولفه تسهیل عاطفی، تفکر، اندیشیدن بر اساس اولویت مشکلات، بهره‌گیری از ذخائر خاص حافظه، تغییر رفتار و پردازش نهفته اطلاعات را آسان می‌کنند (مایر، ۲۰۰۱، به نقل از بشارت، ۱۳۸۴) و از این طریق به فرد کمک می‌کنند تا با سازمان‌دهی افکار و محتویات حافظه و تغییرات مثبت رفتاری به صورت منسجم‌تر با مسائل و تنش‌های محیط مقابله کند و تاب‌آوری بیشتری داشته باشد (جوکار، ۱۳۸۶: ۱۰). شناخت، تحلیل و به‌کارگیری دانش عاطفی نیز از دیگر مولفه‌های هوش هیجانی می‌باشد (مایر، ۲۰۰۱، به نقل از بشارت، ۱۳۸۴). این مولفه با افزایش احتمال شناخت صحیح و واقع بینانه معانی و موقعیت‌ها و پیش‌بینی و چیرگی بر مسائل، امکان به‌کارگیری راهبردهای رویارویی با موقعیت‌های استرس‌زا را فراهم می‌آورد (جوکار، ۱۳۸۶: ۱۰). در واقع، این مولفه با گسترش توان فرد در زمینه پیش‌بینی، کنترل و راهبردهای مقابله، میزان تاب‌آوری او را افزایش می‌دهد و در نهایت تنظیم مدبرانه عواطف باعث افزایش قدرت سازمان‌دهی و سازگاری فرد در موقعیت مخاطره‌آمیز می‌گردد (جوکار، ۱۳۸۶: ۱۰). علاوه بر این، تعاملات درون خانواده سبب ارتقای آگاهی افراد از احساسات خود و دیگران می‌شود. این مولفه هوش عاطفی سبب توانمندی فرد برای مقابله با مشکلات می‌گردد (فارنهام و کریستوفورو^۲، ۲۰۰۷: ۴۵۷). این توانایی موجب می‌شود افراد در شرایط استرس‌زا احساس خوشایندی داشته باشند (فارنهام و کریستوفورو، ۲۰۰۷: ۴۴۴).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این بود که هرچه افراد هوش هیجانی بیشتری داشته باشند، از تاب‌آوری بیشتری برخوردار خواهند بود. این نتیجه با تحقیقات آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱) و جوکار (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. در همین راستا، سالوی و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که بین هوش هیجانی و مهارت‌های مقابله رابطه مثبت وجود دارد. آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱: ۳۳۱) معتقد هستند که هوش هیجانی به صورت مستقیمی با تاب‌آوری رابطه دارد به این صورت که رفتارهای هیجانی هوشمندانه، در شرایط استرس‌زا، انطباقی هستند. در همین راستا سالوی و همکاران (۱۹۹۹: ۶۱) اعتقاد بر این دارند که افراد با هوش هیجانی بالا با مقتضیات شرایط استرس‌زا

1- Mayer & Salovey

2- Furnhum & Christoforou

بهرتر مقابله می‌کنند، چرا که آنان می‌توانند هیجانات خود را به درستی ارزیابی و درک کرده و می‌دانند که چه وقت و چگونه احساسات خود را ابراز کرده و می‌توانند حالات و احساسات خود را کنترل کنند. بنابراین، بدیهی است که هوش هیجانی از طریق آگاهی هیجانی، بیان و مدیریت هیجانات، اثرات شرایط نامطلوب را دفع می‌کند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۳۱). همچنین افراد با هوش هیجانی بالاتر، خوش‌بین‌تر هستند (سیاروچی، دین و اندرسون^۱، ۲۰۰۲) و بین خوشبینی و تاب‌آوری رابطه مثبت معناداری وجود دارد (بالدوین^۲ و همکاران، ۲۰۱۰؛ ترزا^۳، ۲۰۱۰؛ سید محمودی، رحیمی و محمدی، ۱۳۹۰). خوش‌بینی یکی از ویژگی‌های افراد تاب‌آور است. این گونه افراد با وجود قرار گرفتن در محیط‌های پرخطر و آسیب‌زا، روان‌شان آسیبی نمی‌بیند و با مسائل و مشکلات زندگی به دید مثبت و همراه با خوش‌بینی نگاه می‌کنند و همین نگرش مثبت سبب افزایش میزان تحمل آنان در برابر مشکلات می‌شود. این‌گونه افراد برای آینده‌شان هدف و برنامه داشته و زندگی برایشان معنادار است و به دلیل میزان بالای خوش‌بینی و باورهای مثبت در آنان پس از شکست، ناامید و دلسرد نشده و بر میزان تلاش‌های خود می‌افزایند (نصیر، ۱۳۹۰: ۶۵). از طرف دیگر، افراد خوش بین از زندگی خود لذت بیشتری می‌برند، سلامت روانی و جسمانی بیشتری دارند و هنگام رویارویی با فشار روانی از روش‌های مقابله‌ای بهتری استفاده می‌کنند (کارور و شیر^۴، ۲۰۰۲). افراد خوش‌بین در هنگام مواجهه با فشارهای روانی از سبک‌های مقابله‌ای موثرتری استفاده می‌کنند. همچنین، افراد خوش‌بین دارای طرحواره‌های ذهنی انعطاف‌پذیرتری هستند و می‌توانند هنگام مواجهه با ضربه‌های روانی به طور انطباقی موقعیت را پردازش کنند و با آن کنار بیایند (سید محمودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳). اسنایدر و لویز^۵ (۲۰۰۲) معتقد هستند که هنگام رو به رو شدن با یک چالش، افراد خوش‌بین حالت اطمینان داشته و بر این باورند که ناملایمات می‌توانند به شیوه موفقیت آمیزی اداره شوند و این تفاوت در نگرش نسبت به ناملایمات در شیوه‌های مقابله با استرس افراد تاثیر می‌گذارد. خوش‌بینی یا داشتن نوعی انتظار کلی مبنی بر اینکه در آینده، رویدادهای خوب بیشتر از رویدادهای بد اتفاق خواهند افتاد، می‌تواند بر رفتار افراد و نحوه کنار آمدن آنها با مشکلات و رویدادهای فشارزای زندگی تاثیر مثبتی بگذارد (تیلور، کمنی، رید، بوور و گرینونوالد^۶، ۲۰۰۰) زیرا افراد خوش‌بین انتظار دارند در آینده پیامدهای مثبت برای آنها اتفاق بیفتد و همین اطمینان به آینده باعث ایجاد احساس مثبت در فرد می‌شود (علی بیگ و

1 - Ciarrochi, Deane & Anderson

2 - Baldwin

3 - Theresa

4 - Carver & Scheier

5 - Snyder & Lopez

6 - Taylor, Kemeny, Reed, Bower & Grenuenewald

همکاران، ۱۳۹۱: ۷۱۱). پژوهش حاضر با تایید واسطه‌گری هوش هیجانی در رابطه بین جهت‌گیری گفت و شنود خانواده و تاب‌آوری علاوه بر این که به غنای ادبیات مرتبط با تاب‌آوری کمک می‌کند، کاربردهایی نیز برای فرزندپروری، آموزش و پرورش و دانش‌آموزان دارد. طبق این پژوهش به والدین توصیه می‌شود تا از طریق ارتقای گفت و شنود در خانواده علاوه بر افزایش هوش هیجانی در اعضای خانواده به تاب‌آوری بیشتر فرزندان خود کمک نمایند.

با توجه به این که پژوهش حاضر نقش واسطه‌گری هوش هیجانی در رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری در دانش‌آموزان مقطع متوسطه را بررسی نموده، پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، متغیرهای دیگری همچون انعطاف و انسجام خانواده، فرآیند و محتوای خانواده و سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان متغیرهای برون‌زاد و متغیرهایی همانند سازگاری، امیدواری، خوشبینی و کیفیت زندگی به‌عنوان متغیر درون‌زاد، وارد این مدل شوند. همچنین از آنجا که پژوهش حاضر بر روی دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام شد، پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌های بعدی با نمونه‌های وسیع‌تر و در گروه‌های سنی مختلف اجرا شوند.

منابع:

- بشارت، محمد علی (۱۳۸۴). بررسی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی. مطالعات روانشناختی، ۴(۳ و ۲)، ۳۸-۲۵.
- تجلی، فاطمه و لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۷). تاثیر تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه هوش هیجانی نوجوانان. خانواده پژوهشی، ۴(۱۶)، ۴۰۷-۴۲۲.
- جوادی، خدارحم و آقا بخشی، حبیب و رفیعی، حسن و عسگری، علی و بیان معمار، احمد و عبدی زرین، معمار (۱۳۹۰). رابطه کارکرد خانواده و تاب‌آوری در برابر مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۱)، ۴۴۴-۴۲۱.
- جوکار، بهرام (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. روانشناسی معاصر، ۲(۴)، ۳-۱۲.
- جوکار، بهرام و رحیمی، مهدی (۱۳۸۶). بررسی تاثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر شیراز. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (فصلنامه اندیشه و رفتار سابق)، ۱۳(۴)، ۳۷۶-۳۸۴.
- خسرو جاوید، مهناز (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوته در نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سامانی، سیامک و جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روان و رضایت از زندگی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۳(۳)، ۲۹۰-۲۹۵.
- سید محمودی، سید جواد و رحیمی، چنگیز و محمدی، نوراله (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد مواجه شده با ضربه روانی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۱)، ۵-۱۴.

- صبری، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، سبک‌های دلبستگی و کیفیت زندگی در دانش آموزان دبیرستانی: نقش میانجی گری هوش عاطفی. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز.
- صبری، مصطفی و البرزی، محبوبه و بهرامی، محمود (۱۳۹۲). رابطه ی الگو های ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی. اندیشه های نوین تربیتی. ۹(۲)، ۳۵-۶۳.
- صیدی سارویی، محمد و فرهمند، صدف و امینی، مرضیه و حسینی، سیده مریم (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی های شخصیتی با بهزیستی روانشناختی با واسطه گری تاب آوری در بیماران ام اس. روش های و مدل‌های روانشناختی، ۳(۱۱)، ۱۷-۳۸.
- طباطبایی و کیلی، سید مهدی و قره آقاجی، سعید (۱۳۸۶). راهنمای عملی پیشگیری مشارکتی مدرسه محور با تأکید بر سوء مصرف مواد. تهران: انتشارات هنر اول.
- عبادت پور، بهناز و نوابی نژاد، شکوه و شفیق آبادی عبدالله و فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲). نقش واسطه ای کارکردهای خانواده برای تاب آوری فردی و بلورهای معنوی و دلزدگی زناشویی. روش های و مدل‌های روانشناختی، ۳(۱۳)، ۲۹-۴۵.
- علی بیگ، فتانه و احمدی، سید احمد و فرحبخش، کیومرث و عابدی، احمد و علی بیگ، مرتضی (۱۳۹۱). تأثیر آموزش خوش بینی بر کیفیت زندگی دانشجویان دختر مقیم خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۲(۹)، ۷۰۹-۷۲۰.
- کشتکاران، طاهره (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوریدر دانش آموزان مدارس شیراز. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۱(۳۹)، ۴۳-۵۳.
- کوروش نیا، مریم (۱۳۸۵). بررسی تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- گلزار، حمید؛ البرزی، محبوبه؛ خوشبخت، فریبا و صبری، مصطفی (زیر چاپ). رابطه بین سبک های دلبستگی و تاب آوری در دانشجویان: نقش واسطه ای هوش هیجانی. فصل نامه روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی.
- مدانلو، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی ارتباط تاب آوری، روش های مقابله با استرس و حمایت اجتماعی با وضعیت روانی زنان داغ‌دیده. پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
- نصیر، مرضیه (۱۳۹۰). رابطه ی راهبردهای مقابله با استرس و تاب آوری با خوش بینی در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان دزفول. یافته های نو در روانشناسی، ۵(۱۶)، ۵۵-۶۸.
- Armstrong, A. R., Galligan, R. F., & Critchley, C. R. (2011). Emotional intelligence and psychological resilience to negative life events. *Personality and Individual Differences*, 51, 331° 336.
- Baldwin, D., & etal (2010). Resiliency and optimism: An African American senior Citizens perspective. University of Tennessee, Knoxville, TN, USA, *The journal of Black psychology*.
- Bar-On, R. (1997). *The Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-i): A Test of Emotional Intelligence*. Toronto, ON: Multi-Health Systems.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator - mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategically and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.

- Boyatzis, R. E. (2009). Competencies as a behavioral approach to emotional intelligence. *Journal of Management Development*, 28, 749-770.
- Braithwaite, D. O., & Baxter, L. A. (2006). *Engaging Theories in Family Communication: Multiple Perspectives*. Sage publications.
- Carver, C., & Scheier, M. F. (2002). *Optimism*. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 231-243). New York: Oxford University Press.
- Ciarrochi, J. V., Chan, A. Y., Caputi, P., & Roberts, R. (2003). Measuring emotional intelligence. In J. V. Ciarrochi, A. Forgas & J. Mayer (Eds.), *Emotional intelligence in everyday life: A scientific inquiry* (pp.25-46). Philadelphia: Psychology press.
- Ciarrochi, J. V., Deane, F. P., & Anderson, F. (2002). Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health. *Personality and Individual Differences*, 32, 197-209.
- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18, 76-82.
- Fitzpatrick, M. A. (2004). The family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family Communication*, 4, 167-179.
- Fitzpatrick, M. A., & Koerner, A. F. (2004). Family communication schema effect on children's resilience running head: Family communication schemata, the evolution key of mass communication concepts: Honoring Jack M. McLeod, 115-139.
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspective on family interaction. *Human Communication Research*, V. 20, 275-301.
- Furnham, A., & Christoforou, (2007). Personality traits, emotional intelligence and multiple happiness. *North American Journal of Psychology*, V. 9, No. 3, 439-462.
- Garmezy, N., & Masten, A. S. (1991). The protective role of competence indicators in children at risk. In E. M. Cummings, A. L. Greene, & K. H. Karraker (Eds.), *Life-span developmental psychology: Perspectives on stress and coping* (pp. 151-74). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Hill, M., Stafford, A., Seaman, P., Ross, N., & Brigid, D. (2007). Joseph Rowntree foundation, The homestead, 40 Water End, York YO30 6WP. Available at: www.jrf.org.uk.
- Howard, S. M., & Medray, J. F. (2004). *Adolescents attachments and coping with stress*. Wiley periodicals. inc V. 41.
- Jowkar, B., Kohoulat, N., & Zakeri, H. (2011). Family Communication Patterns and Academic Resilience. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 29, 87-90.
- Keaten, J & Kelly, L. (2008). Emotional intelligence as a mediator of family communication patterns and resilience. *Communication Report*, V. 21, 104-114.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: the roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication yearbook*, 28, 36-68.

- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). *What is emotional intelligence?* In p. Salovey & D. Sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence: Implication for educator.* (pp. 3-24). New York: Psychology Press.
- Mayer, J. D., Roberts, R. D., & Barsade, S. G. (2008). Human abilities: Emotional intelligence. *Annual Review of Psychology*, 59, 507° 536.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2000). Models of emotional intelligence. In R. J. Sternberg (Ed.), *Handbook of intelligence* (2nd ed., pp. 396° 420). New York: Cambridge University Press.
- Peterson, J. M. (2000). Integrating Family Resilience and Family Stress Theory. *Journal of Marriage and Family*, 64, 349° 360.
- Resnick, B. (2010). The relationship between resilience and motivation. In Rensick, B., Gwyther, L. P., & Roberto, K. A. (Eds.), *Resilience in aging: Concepts, research and outcomes.* (pp.199-215). New York: Springe.
- Roberts, R. D., Maccann, C., Matthews, G., & Zeidner, M. (2010). Emotional Intelligence: Toward a Consensus of Models and Measures. *Social and Personality Psychology Compass*, 4/10: 821° 840.
- Rutter, M. (1999). Resilience Concepts and findings: Implications for family therapy. *Journal of Family Therapy*, 21, 119- 144.
- Salovey, P., Bedell, B. T., Detweiller, J. B. & Mayer, G. D. (1999). Coping Intelligently: Emotional intelligence and the coping process. In C. R. (Eds.), *Coping: The psychology of what works* (pp.141-164). New York: Oxford University press.
- Salovey, P., Mayer, J. D., & Caruso, D. (2002). Positive psychology of emotional intelligence. in C. R. Snyder & J. Lopez (eds), *Handbook of Positive Psychology*. New York: Oxford University Press. 159-171.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., Golden, C. J., & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25: 167 - 177.
- Shannon, C. A. (2008). *Adult children of alcoholics and non alcoholics: A comparative of resiliency, attachment and individual protective factors.* A dissertation presented in partial fulfillment of the degree of doctor of psychology University of Hartford.
- Snyder, C. R., & Lopez, J. (2002). *Handbook of positive psychology*. New York: oxford university press.
- Taylor, S. E., Kemeny, M. E., Reed, G. M., Bower, J. E., & Gruenewald, T. L. (2000). Psychological resources positive illusions health. *American Psychologist*, 55(1): 99-109.
- Theresa, M. N. (2010). Optimism, Resilience and leadership-3 qualities to help move you toward greatness. Available at: [www.enzinearticles.com/expert = Theresa-maria-napa](http://www.enzinearticles.com/expert=Theresa-maria-napa).
- Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71, 290-297.
- Wang, C. S., Derfoo, M., Wang, C. V., & Wong, P. M. (2007). The feasibility of training and development of EI. *Intelligence*, 35, 141-150.
- Zakeri, H., Jowkar, B., & Razmjoe, M. (2010). Parenting styles and resilience. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1067° 1070.

Zautra, A. J., Hall, J. S., & Murray, K. E. (2010). Resilience: A new definition of health for people and communities. In: Reich, J. W., Zautra, A. J., & Hall, J. S. *Handbook of adult resilience*. The Guilford Press, New York, London.

